

با این که تنها خداوند است که هیچ خطا و اشتباهی ندارد ، چه دلیلی برای عصمت پیامبران وجود دارد ؟

سوال کننده : ناصر

توضیح سؤال :

عصمت مانند هر اصطلاح علمی جدید امروزی دارای معانی مختلفی است . و هر کسی به سلیقه و دلخواه خود حلقه معانی آنرا بزرگتر یا کوچکتر می گیرد .

برای مثال کلمه «خودکار» اگر تنها شامل وسیله نوشتن باشد ، چندین نوع وسیله مثل روان نویس مائیک ها خودنویس ها می شود ؛ ولی برای شاگردان مدرسه معنی آن همان خودکار بیک ساده است و شامل مائیک هم نمی شود . در حالی که این کلمه یا اصطلاح برای تمام ماشینهای پیچیده بکار می رود .

اگر عصمت را « یعنی بدون هیچ اشتباه » معنی کنیم آنوقت به ذات خداوند نزدیک می شویم چون تنها خداوند است که هیچ خطا و اشتباهی ندارد و نمی کند . «الله لا اله الا هو لا تاخذ سنه ولا نوم» . آیا پیامبران به خواب نمی روند ؟ عصبانی نمی شوند ؟

پس عصمت در تعریف ما شیعه از نوع تعریف بالا است و این غیر ممکن و غیر مقبول است

پاسخ :

یکی از عقاید حقه شیعه این است که تمامی پیامبران و ائمه شیعه علیهم السلام عصمت مطلق دارند ؛ یعنی در تمام عمرشان هیچ گناه ، اشتباه و سهوی مرتکب نمی شوند .

مرحوم شیخ الطائفه ، شیخ طوسی رحمت الله علیه در این باره می نویسد :

نبینا محمد (ص) معصوم من أول عمره إلي آخره، في أقواله وأفعاله وتروكه، عن الخطأ والسهو والنسيان، بدليل أنه لو فعل

المعصية لسقط محلّه من القلوب، ولو جاز عليه السهو لارتفع الوثوق من إخباراته، فتبطل فائدة البعثة وهو محال .

پیامبر ما حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم ، از اول تا آخر عمر شریفش ، چه در گفتار ، چه در آن چه که باید انجام دهد و چه در آن چیزهایی که نباید انجام بدهد ، معصوم از خطا ، سهو و نسیان است ؛ زیرا اگر معصیتی از آن حضرت سر بزند ، جایگاه خود را در بین مردم از دست می دهد . و اگر سهو برای آن حضرت جایز باشد ، اعتماد مردم به گفتارهای او سلب می شود و در نتیجه فلسفه بعثت آن حضرت باطل می شود و این محال است .

الشیخ الطوسی، الرسائل العشر: ص 97، مؤسسة النشر الإسلامي ج قم .

برای اثبات این مطلب دلایل فراوانی وجود دارد که بنده به جهت رعایت اختصار به صورت تیتروار به برخی از آن ها اشاره می کنم :

عصمت پیامبران :

1 . پیامبران از مخلصین می باشند و شیطان را برآنان راه نیست :

خداوند در باره حضرت ابراهیم ، اسحق و یعقوب می فرماید :

إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرِي الدَّارِ . وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ . ص / 46 و 47 .

ما آنها را با خلوص ویژه ای خالص کردیم، و آن یادآوری سرای آخرت بود ، و آنها نزد ما از برگزیدگان و نیکانند!

در باره حضرت یوسف علیه السلام می فرماید :

وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ . يوسف / 24 .

آن زن قصد او کرد و او نیز، اگر برهان پروردگار را نمی دید، قصد وی می نمود ! اینچنین کردیم تا بدی و فحشا را از او دور سازیم چرا که او از بندگان مخلص ما بود .

در حق حضرت موسی می فرماید :

وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا . مريم / 51 .

و در این کتاب (آسمانی) از موسی یاد کن ، که او مخلص بود ، و رسول و پیامبری والا مقام !

و مشابه این آیات در رابطه با دیگر انبیاء نیز داریم .

از طرف دیگر در سوره ص آیه 82 و 83 از قول شیطان که از درگاه قرب ربوربی رانده می شود ، قسم می خورد :

فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ . إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ .

[شیطان] گفت: «به عزتت سوگند، همه آنان را گمراه خواهم کرد ؛ مگر بندگان خالص تو را ، از میان آن ها .

وقتی این دو دسته آیات را کنار هم می گذاریم ، نتیجه می گیریم که شیطان به عباد مخلص هیچ راهی ندارد . انبیاء علیهم السلام هم طبق آیات صریح جزء بندگان مخلص خدا هستند .

2 . اطاعت بی قید و شرط پیامبر را گواه عصمت آنان

ما آیات متعددی داریم که اطاعت انبیاء را به صورت مطلق بر همگان لازم دانسته است . مثلاً در سوره نساء ، آیه 64 می فرماید :

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ .

ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای این که به فرمان خدا ، از وی اطاعت شود .

و یا در سوره نساء آیه 80 می فرماید :

مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ .

کسی که از پیامبر اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده

یعنی ، اطاعت پیامبر ، مساوی است با اطاعت خداوند .

در سوره نساء آیه 59 می فرماید :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ .

ای کسانی که ایمان آورده اید ! اطاعت کنید خدا را ! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر [اوصیای پیامبر] را

خداوند در این آیات ، اطاعت از رسول گرامی اسلام و را به صورت مطلق واجب کرده است ؛ یعنی هر دستوری که آن ها در هر

زمینه ای دادند ، باید بدون چون و چرا پذیرفته شود .

اگر « پیامبر » معصوم نباشد ممکن است عمداً و یا سهواً دستوری بدهد که مخالف دستور خداوند باشد که در این صورت اگر از دستور خدا اطاعت شود ، از دستور « پیامبر » سر پیچی شده است ، و این مخالف با صریح آیه است ؛ چون در این آیه ، اطاعت از پیامبر و اولی الامر را به صورت مطلق واجب شده است . و اگر از دستور پیامبر اطاعت شود ، از دستور خداوند سر پیچی شده است .

این تناقض در صورتی حل می شود که « پیامبر و اولی الامر » معصوم از هر گونه خطا و اشتباه باشند .

حتی فخر رازی ، مفسر معروف اهل سنت نیز از این آیه عصمت را فهمیده است . وی در ذیل همین آیه می گوید :

فثبت أن الله تعالی أمر بطاعة أولی الامر علی سبیل الجزم ، وثبت أن کل من أمر الله بطاعته علی سبیل الجزم وحب أن یکون

معصوما عن الخطأ ، فثبت قطعاً أن أولی الامر المذكور فی هذه الآية لا بد وأن یکون معصوما .

تفسیر الرازی ، الرازی ، ج 10 ، ص 144 .

بنا بر این ثابت شد که فرمان خدا به اطاعت از اولی الامر حتمی و قطعی است (چون خداوند با کسی شوخی ندارد) و نیز ثابت شد که هر کس خداوند پیروی و اطاعتش را واجب بداند باید معصوم از خطا و اشتباه باشد وقتی این چنین بود ، پیامبر و اولی الامر در این آیات به ناچار و قطعاً باید معصوم باشند .

امامت به ظالمان نمی رسد

در آیه سوم آیه 124 از سوره بقره می فرماید :

وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ . البقره / 124 .

(به خاطر آورید) هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود. و او به خوبی از عهده این آزمایشها برآمد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!» ابراهیم عرض کرد: «از دودمان من (نیز امامانی قرار بده!)» خداوند فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی رسد! (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقامند) .

این آیه از آیاتی است که الهی بودن مقام امامت ، برتری مقام امامت بر مقام نبوت و نیز عصمت امام را ثابت می کند ؛ چرا که حضرت ابراهیم علیه السلام با این که پیامبر بود ، وقتی به مقام امامت رسید و عظمت و بزرگی این مقام را دید ، از خداوند کریم این مقام را برای ذریه و فرزندانیش نیز درخواست کرد ؛ اما خداوند در جواب خلیل خود به صورت مطلق فرمود :

عهد من ظالمان نخواهد رسید

یعنی این مقام مخصوص کسانی است که در تمام عمرشان لحظه ای ظلم نکرده باشند . و همان طور که می دانید ، یکی از ظلم ها ، ظلم به نفس است و گناه خود مصداق اتم ظلم به نفس به شمار می آید ؛ زیرا خداوند می فرماید :

وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ . الطلاق / 1 .

هر کس حدود خدا را تجاوز کند ، به نفسش ظلم کرده است .

حد اقل مرتبه گناه ، ظلم به نفس خویش است ؛ یعنی اگر کسی در تمام عمرش حتی يك بار گناه بکند ، مصداق ظالم می شود . و عهد الهی که امامت باشد به ظالم نمی رسد ؛ از این رو ، پیامبر و امام باید معصوم باشند .

بسیاری از مفسران و علمای اهل سنت اعتراف کرده اند که مراد از « عهدی » همان مقام امامت است ؛ از جمله فخر رازی در تفسیر خود می گوید :

(لَا يَنَالُ عَهْدِي) جواباً لقوله (وَمِنْ ذُرِّيَّتِي) وقوله (وَمِنْ ذُرِّيَّتِي) طلب للإمامة التي ذكرها الله تعالى فوجب أن يكون المراد بهذا العهد هو الإمامة ليكون الجواب مطابقاً للسؤال .

تفسیر الرازی ، ج 4 ، ص 46 .

و بیضاوی ، یکی دیگر از مفسران اهل سنت در تفسیر « لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ » می گوید :

إجابة إلي ملتسمه وتنبيهه علي انه قد يكون من ذريته ظلمه وأنهم لا ينالون الإمامة لأنها أمانة من الله تعالى وعهداً والظالم لا يصلح لها .

تفسیر البيضاوي ، ج 1 ، ص 397 ، ط دار الفكر بيروت .

و ابن كثير دمشقي سلفي نیز در تفسیر آیه می گوید :

لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ يقول تعالى منبهاً علي شرف إبراهيم خليله (عليه السلام) وان الله جعله إماماً للناس .

تفسیر ابن كثير ، ج 1 ، ص 169 .

و طبري در تفسیر جامع البيان در تفسیر « لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ » می نویسد :

حدثني محمد بن عمرو قال ثنا أبو عاصم قال ثنا عيسى عن ابن أبي نجيح عن مجاهد قال: لا ينال عهدي الظالمين قال: لا يكون إماماً ظالماً .

جامع البيان ، ج 2 ، ص 738 ، ط دار الفكر .

و روایات بسیاری که از طریق اهل سنت با این مضامین : « لَا يَكُونُ إِمَامًا ظَالِمًا » و « لَا اجعل إماماً ظالماً يقتدي به » وارد شده است .

رك : صحيح البخاري ، ج 1 ، ص 215 ، كتاب الأحكام و صحيح مسلم ، ج 6 ، ص 8 ، باب فضيلة الإمام العادل و باب خيار الأئمة و أشرارهم و جامع البيان ، طبري ج 1 ص 738 و الدر المنثور ، السيوطي ، ج 1 ص 118 .

از طرف دیگر آیاتی در باره انبیاء علیهم السلام وجود دارد که می فرماید :

وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا . الأنبياء / 73 .

این را خدای عالم در رابطه با حضرت ابراهیم ، در رابطه با لوط ، در رابطه با اسحاق و یعقوب وقتی بیان می کند ، می گوید :

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ . وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا . الأنبياء / 72 و 73 .

در رابطه با حضرت موسی و پیامبران بعد از او هم می فرماید :

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ . وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ . السجده / 23 و 24 .

این پیامبران را ما امامانی قرار دادیم که به امر ما هدایت می کنند ، از طرفی هم می گوید :

لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ .

عهد من که امامت باشد (به قرینه « إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ») به ظالمین نمی رسد .

از مجموع این آیات استفاده می کنیم :

انبیاء علیهم السلام يك لحظه از عمرشان نه متلبس به ظلم و گناه شده اند . نه خطائی از آن ها سر زده است و نه دچار نسیان شده اند .

عصمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم

اطاعت بی چون و چرا از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم

اما در باره شخص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز آیات فراوانی وجود دارد که عصمت مطلق آن حضرت را ثابت می کند ؛ همانند آیاتی که اطاعت از پیامبر را در ردیف اطاعت خدا آورده است ؛ مثل :

وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا . الحشر / 7 .

آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است!

تمام سخنان آن حضرت برگرفته از وحی است

و صریح ترین آیه در عصمت مطلق نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آیهء دوم تا چهارم سورهء نجم است که می فرماید :

مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى . وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى . إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى .

کلمهء « ضل » معانی متعددی از جمله : گمراهی ، غفلت و نسیان . و از آن جایی که کلمهء « ما ضل » نکره در سیاق نفی است و افادهء عموم می کند ، تمام مصادیق « ضل » حتی غفلت و نسیان را از نبی مکرم نفی می کند .

صابونی ، صاحب کتاب صفوة التفاسیر ، در ج 3 ، ص 235 می گوید :

لا يتكلم الا عن وحی من الله عزوجل

پیغمبر لب باز نمی کند ؛ مگر این که وحی باشد .

آقای قرطبی که از شخصیت های بزرگ و شناخته شده اهل سنت است و مخصوصاً عزیزان اهل سنت احناف ایران برای ایشان ارزش ویژه قائل هستند ، در باره این آیه می گوید :

وفیها أيضا دلالة علي أن السنة كالوحي المنزل في العمل .

تفسیر القرطبی ، القرطبی ، ج 17 ، ص 85 .

این آیهء شریفه « الا عن وحی یوحی » دلالت می کند که سنت پیغمبر همانند وحی منزل است .

آقای ابن حجر عسقلانی که از ارکان علمی اهل سنت است ، در باره حدیث : « هلم اکتب لکم کتاباً لن تضلوا » که پیامبر در آخرین لحظات عمرش فرمود ، و برخی از حاضرین (نستجیر بالله) گفتند : « ان الرجل لیهجر » و جناب خلیفهء دوم هم گفتند : « قد غلبه الوجع » می گوید :

لأنه معصوم في صحته ومرضه لقوله تعالى وما ينطق عن الهوى ولقوله صلي الله عليه وسلم إني لا أقول في الغضب والرضا إلا

حقاً .

فتح الباري ، ابن حجر ، ج 8 ، ص 101 .

پیامبر ، چه در سلامتی و چه در هنگام بیماری معصوم است و از روی هوای نفس سخن نمی گوید ؛ زیرا آن حضرت فرموده اند : « سخنی غیر از حق از زبان من خارج نمی شود ؛ چه در ناراحتی و چه در رضا .

همچنین عینی در باره همین روایت «قد غلبه الوجع» یا «ان الرجل ليهجر» که بالاترین جسارت به ساحت مقدس نبی مکرم بود می گوید :

قلت نسبة مثل هذا إلي النبي لا يجوز لأن وقوع مثل هذا الفعل عنه مستحيل لأنه معصوم في كل حالة في صحته ومرضه لقوله تعالى * (وما ينطق عن الهوي) * ولقوله " إني لا أقول في الغضب والرضا إلا حقا " .

عمدة القاري ، العيني ، ج 18 ، ص 62 .

چنین نسبتی به پیامبر جایز نیست ؛ زیرا انجام چنین چیزی از رسول خدا محال است ؛ چرا که آن حضرت در حالی ؛ چه در سلامی و چه در بیماری معصوم هستند ؛ به دلیل آیه « ما ينطق ... و به خاطر سخن آن حضرت که فرمودند : " سخنی غیر از حق از زبان من خارج نمی شود ؛ چه در ناراحتی و چه در رضا " .

و در جایی دیگر می گوید :

ولم يكن ، يقول في الغضب والرضا إلا حقا ، قال الله تعالى : * (وما ينطق عن الهوي) .

عمدة القاري ، العيني ، ج 24 ، ص 81 .

پیامبر الگویی مسلمانان

و نیز خداوند در آیه مبارکه 21 سوره احزاب می فرماید :

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ .

مسئلاً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود .

خداوند در این آیه صراحت دارد که پیامبر برای تمام مردم اسوه است . اسوه بودن پیامبر در صورتی ثابت می شود که پیغمبر خطا و اشتباه نکند . اگر پیامبر از روی نسیان ، غفلت ، فراموشی ، جهل یا مخالفت امر الهی ، یک مطلب خلاف امر الهی را انجام بدهد ، باعث می شود پیامبری که باید اسوه و الگو برای هدایت باشد ، تبدیل می شود اسوه و الگو در مسیر ضلالت .

سنت قطعی و مورد اتفاق طرفین :

روایات فراوانی از طریق شیعه و سنی وارد شده است که عصمت آن حضرت را ثابت می کند ؛ از جمله :

1. عن عبد الله ابن عمرو ، قال : كنت أكتب كل شئ أسمعه من رسول الله صلي الله عليه وسلم أريد حفظه ، فنهتني قريش ،

وقالوا : أتكتب كل شئ تسمعه ورسول الله صلي الله عليه وسلم بشر يتكلم في الغضب والرضا ، فأمسكت عن الكتاب ، فذكرت

ذلك لرسول الله صلي الله عليه وسلم ، فأوماً بأصبعه إلي فيه ، فقال : (اكتب فوالذي نفسي بيده ما يخرج منه إلا حق) .

مسند احمد ، الإمام احمد بن حنبل ، ج 2 ، ص 192 و سنن أبي داود ، ابن الأشعث السجستاني ، ج 2 ، ص 176 و سنن الدارمي ،

عبد الله بن بهرام الدارمي، ج 1، ص 125 و تحفة الأحوذی، المبارکفوري، ج 7، ص 357 و تفسير ابن كثير، ابن كثير، ج 4، ص 264 و وسائل الشيعة (آل البيت)، الحر العاملي، ج 1، ص مقدمة التحقيق 7 و تذكرة الفقهاء (ط.ج)، العلامة الحلي، ج 1، ص مقدمة التحقيق 14.

عبد الله بن عمرو عاص مي گوید: من سخنان پیامبر اسلام صلي الله عليه و آله و سلم را مي نوشتم، قریش نهي کردند و گفتند: " تو چرا همه سخنان پیامبر را مي نویسی؟ پیغمبر بشري است همانند دیگران، غضبناک و عصباني مي شود، از حال عادي بيرون مي رود و سخنانی بيان مي کند که قطعاً سخنان نادرستی است. عبد الله بن عمرو عاص مي گوید: من نوشتم تا خدمت نبي مکرم اسلام صلي الله عليه و آله و سلم رسيدم و قضایا را براي حضرت نقل کردم. حضرت به دو لب هاي خودش اشاره کردند و فرمودند: "

قسم به خدایي که جان من پیغمبر در قبضه قدرت او است، از این دو لب من جز حق صادر نمی شود.

حاکم نیشابوري بعد از نقل حدیث مي گوید:

هذا حدیث صحیح الاسناد أصل في نسخ الحدیث عن رسول الله صلي الله عليه وآله ولم یخرجاه.

المستدرک، الحاکم النیسابوري، ج 1، ص 104.

ذهبی نیز در حاشیه مستدرک این حدیث را صحیح دانسته است. البانی که ایدئوژیک وهابی ها است و به تعبیر بن باز امام الحدیث است، این روایت را در سلسله الأحادیث الصیحة، ج 4، ص 45، چاپ مکتبة المعارف، ریاض عربستان، آورده است. و مي گوید که روایت صحیح است.

2. عن جده عبد الله بن عمرو بن العاصي قال قلت يا رسول الله اني أسمع منك أشياء أفأكتبها قال نعم قلت في الغضب والرضا قال نعم فاني لا أقول فيهما الا حقا.

مسند احمد، الإمام احمد بن حنبل، ج 2، ص 215 المعجم الأوسط، الطبراني، ج 2، ص 153 الحد الفاصل، الرامهرمزي، ص 364.

عبد الله بن عمرو عاص مي گوید به پیامبر گفتم: اي رسول خدا! من هر چه از شما مي شنوم مي توانم بنویسم؟ حضرت فرمودند: بلي. سؤال کردم: چه در حال غضب و چه در حالت عادي؟ حضرت فرمود: بلي؛ زیرا من سخني غير از نمي گویم.

3. عن أبي هريرة عن رسول الله صلي الله عليه وسلم أنه قال إنني لا أقول الا حقا قال بعض أصحابه فإنك تداعبنا يا رسول الله فقال إنني لا أقول الا حقا.

مسند احمد، الإمام احمد بن حنبل، ج 2، ص 340 و سبل السلام، محمد بن اسماعيل الكحلاني، ج 4، ص 196 و سنن الترمذي، الترمذي، ج 3، ص 241 و السنن الكبرى، البيهقي، ج 10، ص 248 و مجمع الزوائد، الهيثمي، ج 9، ص 17 و فتح الباري، ابن حجر، ج 10، ص 436 و عمدة القاري، العيني، ج 22، ص 169 و تحفة الأحوذی، المبارکفوري، ج 6، ص 108 و الأدب المفرد، البخاري، ص 66 و الشمائل المحمدية، الترمذي، ص 130 و المعجم الأوسط، الطبراني، ج 8، ص 305 و معرفة السنن والآثار، البيهقي، ج 7، ص 447 و الأذكار النووية، يحيي بن شرف النووي، ص 326 و تفسير ابن كثير، ابن كثير، ج 4، ص 265 و الدر المنثور، جلال الدين السيوطي، ج 6، ص 122 و تاريخ مدينة دمشق، ابن عساكر، ج 4، ص 35 - 36 و البداية والنهاية، ابن كثير، ج 6، ص 54 و إمتاع الأسماع، المقرئ، ج 2، ص 253 و ...

ابوهريره مي گوید که پیامبر اسلام صلي الله عليه و آله و سلم فرمود " من چیزی جز حق نمی گویم " بعضي از اصحاب

سؤال کردند : تو با ما شوخی و مزاح هم می کنی ، آیا در مزاح کردن هم حق می گویی ؟ حضرت فرمود : حتی در هنگام مزاح کردن هم چیزی جز حق نمی گویم .

یعنی حتی مزاح و شوخی های نبی مکرم هم باید برای همه الگو باشد . در مسائل شوخی و مزاح هم از آن روش نبی مکرم تجاوز نکنند .

ترمزی وقتی این حدیث را نقل می کند ، می گوید :

هذا حدیث حسن .

هیثمی هم در مجمع الزوائد روایت را نقل می کند و می گوید :

اسناد حسن .

4. إن عینی تنامان ولا ینام قلبی .

صحیح البخاری ، البخاری ، ج 2 ، ص 48 و ج 2 ، ص 253 و ج 4 ، ص 168 و صحیح مسلم ، مسلم النیسابوری ، ج 2 ، ص 166 .

چشمان من به خواب می روند ؛ ولی قلب من به هیچ وجهی خواب نمی رود .

5 . إنا معشر الأنبياء تنام أعیننا ولا تنام قلوبنا .

ما پیامبران ، چشمان ما می خوابد ؛ اما قلب ما بیدار است .

ابن سعد ، الطبقات الكبرى ج1: ص82، دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان.

البانی از لیدرهای وهابیت که از او به عنوان بخاری دوران نام می برند ، این روایت را در سلسله روایات صحیح آورده است .

الألبانی ، سلسلة الأحادیث الصحیحة ج4: ص281، ح1705. مكتبة المعارف - الرياض

6 . إني لست كأحدكم ، إنه تنام عینای ولا ینام قلبی .

أبو بكر الرازي الجصاص ، أحكام القرآن ج2 : ص417-418 ، ط1. دار الكتب العلمية - بيروت.

مناوی از مفسرین بنام اهل سنت در تعلیقه بر این روایات می گوید :

بل هي [القلوب] دائمة اليقظة لا يعترها غفلة ولا يتطرق إليها شائبة نوم لمنعه من إشراق الأنوار الإلهية الموحبة لفيض

المطالب السنية عليها ؛ ولذا كانت رؤياهم وحيًا .

فيض القدير ، المناوي ، ج2 : ص551، ط1. المكتبة التجارية الكبرى - مصر.

نظر علمای اهل سنت :

قسطلانی ، یکی از شارحین صحیح بخاری می گوید :

وقد استدل بعض الأئمة علي عصمتهم من الصغائر في المسير الي امثال افعالهم واتباع آثارهم مطلقا و جمهور الفقهاء علي

ذلك من اصحاب مالك والشافعي وأبي حنيفة من غير التزام قرينة بل مطلقا عند بعضهم .

المواهب اللدنية ، ج9 ، ص4_8 .

... تمام علمای ما از مالکی ها ، شافعی ، حنفی ها اتفاق نظر دارند که پیامبر اکرم و پیامبران از هر گونه لغزش کاملاً مصون

هستند .

در جایی دیگر می فرماید :

أنه معصوم من الذنوب كبیرها و صغیرها و عمدھا و سهوها و كذلك الأنبياء

همان ، ج 7 ، ص 327 .

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از تمامی گناهان ؛ چه کبیره ، چه صغیره ، چه عمدی و چه سهوی معصوم هستند .
همچنین بقیه انبیاء

و علامه زرقانی از بزرگان اهل سنت ، می گوید :

انه معصوم من الذنوب بعد النبوة و قبلها صغیرها و کبیرها ، عمدھا و سهوها علی الأصح فی ظاهره و باطنه .

پیغمبر اکرم معصوم است از هر گونه گناه ؛ چه قبل از نبوت ، چه بعد از آن ، چه گناه عمدی ، چه سهوی ، چه در ظاهر و چه در باطن .

بعد نقل می کند :

وقال السبكي اجمعت الأمة علي عصمة الأنبياء في ما يتعلق بالتبليغ و غيره من الكبائر والصغائر الخطة والمداومة علي الصغائر ففي صغائر لا تحط من رتبهم خلاف .

همان .

انبیاء از هر گونه لغزش معصوم هستند ؛ چه در مسائل تبلیغی ، چه در غیر آن ، چه صغیره ، چه کبیره ، چه صغیره ای که قابل استمداد باشد یا نباشد .

در کتاب الشرح المیسر علی الفقہین در ص 39 صراحت دارد که نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم از هر گونه گناه و لغزش در امان بوده و عصمت داشته است .

آقای مقریزی در کتاب امتاع الأسماع همین مطلب را دارد . جناب آقای قاضی عیاض در کتاب الشفاء فی تعریف حقوق المصطفی ج 2 ، ص 193 چاپ دار الأرقم بیروت ، همین تعبیر را دارد .

قرطبی در کتاب تفسیرش ، ج 1 ، ص 349 می گوید :

وقال جمهور من الفقهاء من أصحاب مالك وأبي حنيفة والشافعي : إنهم معصومون من الصغائر كلها كعصمتهم من الكبائر أجمعها ، لأننا أمرنا باتباعهم في أفعالهم وآثارهم وسيرهم أمرا مطلقا من غير التزام قرينة ، فلو جوزنا عليهم الصغائر لم يمكن الاقتداء بهم .

تفسیر القرطبی ، القرطبی ، ج 1 ، ص 308 .

تمام فقهای مالکی ، حنفی و شافعی متفق القول هستند که انبیاء از هر گونه گناه ، چه از صغائر و چه از غیر صغائر ، معصوم هستند ؛ چون خدای عالم به ما دستور داده است از این ها تبعیت کنیم ؛ هم در افعال شان و هم در گفتارشان و هم در سیره و برخوردشان به صورت امر مطلق . اگر انجام صغائر برای آن ها جایز باشد ، اقتدا کردن به آن ها ممکن نیست ...

در نتیجه پیامبر اسلام و تمامی پیامبران و ائمه علیهم السلام معصوم مطلق هستند .

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)